اختصاصی خراسان

در بازسازی صحنه جنایت مشخص شد

درگیری مرگبار فرزندان طلاق!

سید خلیل سجادپور- نوجوان ۱۷ ساله‌ای که فقط به دلیل غروری سرکش، جوان ۲۱ ساله دیگری را در تاریکی شب به قتل رسانده بود، روز گذشته در حالی صحنه جنایت را در حضور قاضی ویژه قتل عمد مشهد بازسازی کرد که مشخص شد قاتل و مقتول فرزندان طلاق هستند!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای این درگیری مرگبار در نیمه شب یازدهم مهر هنگامی رقم خورد که جوان موتورسواری وارد خیابان ابوطالب ۶۲ شد و به حرکت خود ادامه داد. در همین حال نوجوان ۱۷ ساله‌ای که او نیز گاز موتورسیکلت را می فشرد در تاریکی شب کنار موتورسوار ۲۱ ساله قرار گرفت و ناگهان چشمش به راکب موتورسیکلت خیره ماند.

او جوان ۲۱ ساله را می شناخت و از سوابق وی خبر داشت؛ چرا که چند روز قبل نیز او را در حال مشاجره لفظی با یکی از دوستانش دیده و به دلیل غرور سرکش جوانی کینه «معین» را به دل گرفته بود. طولی نکشید که ناگهان با تلاقی نگاه های خشم آلود، تیغه چاقو در هوا چرخید. آن ها در حالی که از موتورسیکلت پیاده شده و برای یکدیگر شاخ و شانه می کشیدند با هم درگیر شدند. در این اثنا بود که تیغه سرد و برنده کارد بر قفسه سینه جوان ۲۱ ساله فرود آمد و خون از درون لباس هایش بیرون زد. «یونس» (نوجوان ۱۷ ساله) با دیدن این صحنه وحشتناک، دوباره سوار موتورسیکلت شد و در خلاف جهت حرکت از خیابان ابوطالب ۶۲ به مکانی نامعلوم گریخت.

از سوی دیگر نیز «معین» (جوان ۲۱ ساله) با سر و وضعی خون آلود به زحمت خود را به موتورسیکلت رساند و در حالی که تلاش می کرد کنترل آن را حفظ کند به طرف دیگر خیابان حرکت کرد، ولی هر لحظه شدت خون ریزی بیشتر می شد و او رمق خود را از دست می داد. گزارش روزنامه خراسان حاکی است هنوز مسافت زیادی را طی نکرده بود که به آرامی با یک دستگاه خودروی پارک شده در حاشیه خیابان برخورد کرد و در حالت نیمه بیهوش روی زمین افتاد. اهالی محل با مشاهده وضعیت وخیم جوان موتورسوار، بی درنگ با اورژانس تماس گرفتند و او دقایقی بعد روی تخت بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد قرار گرفت، ولی اقدامات اولیه درمانی هم موثر واقع نشد و «معین» بر اثر شدت عوارض ناشی از اصابت ضربه چاقو جان خود را از دست داد. لحظاتی بعد این جنایت وحشتناک به قاضی ویژه قتل عمد مشهد گزارش شد و به این ترتیب قاضی دکتر صادق صفری برای بررسی دقیق ماجرا و انجام تحقیقات میدانی در همان نیمه شب به سمت مرکز درمانی حرکت کرد. بررسی های مقدماتی حاکی از آن بود که قمه ای به عمق ۱۰ سانتی متر در بالای قفسه سینه موتورسوار جوان وارد آمده و آثار دفاعی جزئی نیز روی دست مقتول مشهود بود، به گونه ای که گویی زاویه فرود تیغه قمه به سینه مقتول به صورت کلنگی است. در همین حال مردی سپیدمو از راه رسید و خود را پدر «معین» معرفی کرد. او به قاضی دکتر صفری گفت: دو نفر به در منزلم آمدند و گفتند پسرت چاقو خورده است و او را به بیمارستان برده اند.

آن ها به من گفتند نوجوانی به نام «یونس» او را زده است، اما من از درگیری آن ها خبر ندارم! به گزارش روزنامه خراسان، این در حالی بود که با مشخص شدن برخی زوایای این جنایت، پدر «یونس» (متهم به قتل فراری) نیز در بیمارستان حضور یافت تا به سوالات قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد پاسخ دهد. او که از این اقدام فرزندش در شوک بود به مقام قضایی گفت: من پدر یونس هستم. او با من تماس گرفت و در حالی که هراسان بود از درگیری و نزاع با جوان دیگری خبر داد و گفت: «دنبال من نگردید! کسی با چاقو قصد داشت از من زورگیری کند که من هم او را زدم.» پدر متهم به قتل فراری ادامه داد: آن لحظه من در منزل همسر جدیدم بود؛ چرا که مادر یونس از من طلاق گرفته است و پسرم نزد من زندگی می کند! حدود ساعت ۲۱:۳۰ بود که یونس به من گفت، قصد دارد با یکی از دوستانش به ساندویچ فروشی برود که با هم ساندویچ بخورند. البته مادر یونس هم بعد از طلاق با مرد دیگری ازدواج کرده است و یونس هفته ای یک شب نزد مادرش می رود، اما من دوست صمیمی پسرم را نمی شناسم! فقط می دانم قرار بود با او به ساندویچ فروشی برود! بنا بر گزارش روزنامه خراسان، با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا، بی درنگ گروهی از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با نظارت مستقیم سرهنگ مهدی سلطانیان (رئیس اداره جنایی) و با راهنمایی های مقام قضایی وارد عمل شدند و شبانه مکان های احتمالی اختفای متهم فراری را زیر نظر گرفتند، اما او نه تنها به منزل مادرش نرفته بود بلکه در بقیه پاتوق ها نیز حضور نداشت. در این شرایط و با ردزنی های اطلاعاتی یکی از دوستان «معین» شناسایی شد و از او بازجویی صورت گرفت. او مدعی شد: یونس و معین قبلا هم با یکدیگر اختلاف داشتند و چند بار دعوا کرده بودند. من هم حدود آخر شب یونس را دیدم که به من گفت: با معین دعوا کردم او اول چاقو کشید و می خواست مرا بزند که من خودم او را جلوی ساندویچ فروشی با چاقو زدم! و...

بر اساس این گزارش، در حالی که رصدهای اطلاعاتی کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ مرادی (افسر جنایی آگاهی) تا صبح روز بعد ادامه داشت، در یک لحظه متهم فراری با تنگ تر شدن حلقه محاصره، تصمیم دیگری گرفت و خودر اتسلیم قانون کرد. با انتقال وی به دایره قتل عمد آگاهی، تحقیقات درباره انگیزه این جنایت در حالی آغاز شد که متهم به قتل ادعا کرد: «معین را به خاطر زورگیری کشته است!» او گفت: «معین قصد داشت گوشی مرا زور گیری کند من هم او را با چاقو زدم و فرار کردم! اما او وقتی به شعبه ویژه جنایی منتقل شد در حضور مقام قضایی ماجرا را به گونه دیگری بازگو کرد که به حقیقت موضوع نزدیک تر بود.

به همین دلیل روز گذشته، «یونس» (متهم به قتل) با صدور دستوری از سوی قاضی ویژه قتل عمد به صحنه وقوع جنایت هدایت شد تا چگونگی وارد آوردن ضربه قمه بر پیکر موتورسوار ۲۱ ساله را تشریح کند. او پس از آن که مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد با معرفی کامل خود گفت: معین هم مانند من فرزند طلاق بود آن شب وقتی سوار بر موتورسیکلت در کنار «معین» قرار گرفتم در همان تاریکی شب او را شناختم، اما او به من فحش داد و با موتورسیکلت مقابلم پیچید. هر دو نفر از موتورسیکلت پیاده شدیم که ناگهان او چاقویش را بیرون کشید، ولی من خیلی سریع تر از او قبضه کارد را بر قفسه سینه اش فرو کردم و سپس از محل گریختم!... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با اعترافات صریح متهم، وی با صدور قرار قانونی بازداشت شد تا بررسی های بیشتری درباره زوایای دیگر این پرونده جنایی صورت گیرد.

متهم هنگام بازسازی صحنه جنایت در حضور قاضی صفری

عکس ها اختصاصی خراسان

ماجرای دلخراش قتل برادر باچاقو دستمال

سرهنگ نجم الدین مرادی، فرمانده انتظامی شهرستان پاکدشت گفت: با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی پاکدشت راز کشف جسد داخل وانت مزدا برملا و قاتل شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش عرشه آنلاین، فرمانده انتظامی شهرستان پاکدشت بعدازظهر سه شنبه ۲۶ مهر در جمع خبرنگاران خاطرنشان کرد: در پی گزارش پیدا شدن یک دستگاه وانت مزدا که داخلش جسد مردی حدوداً ۳۰ ساله از اتباع افغانستان با آثار اصابت چاقو بر نواحی بدن بود، پرونده به منظور رسیدگی به پلیس آگاهی ارجاع شد و موضوع شناسایی و دستگیری افراد مرتبط در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. مرادی تصریح کرد: انجام اقدامات اطلاعاتی، فنی و پلیسی و بررسی هویت و تحقیقات از آخرین افرادی که با متوفی در ارتباط بودند و همچنین بررسی دوربین های اطراف محل کار مقتول، پرده از راز این قتل گشود و برادر ناتنی مقتول به عنوان اولین مظنون دستگیر شد.

رئیس پلیس پاکدشت گفت: برادر ناتنی مقتول که جوانی ۲۴ ساله است پس از چند روز لب به اعتراف گشود و اعلام کرد، طی تماس تلفنی، برادرم را به کارگاه کشاندم و چند ضربه چاقو به او وارد کردم و با میله آهنی به سر او کوبیدم سپس برای اطمینان از کشته شدنش، با دستمال سر، وی را خفه و جسدش را با خودروی وانت مزدا در حاشیه اتوبان رها کردم.

فرمانده انتظامی شهرستان پاکدشت اعلام کرد: با تلاش همکارانم در پلیس آگاهی، قاتل در تحقیقات تکمیلی به قتل اعتراف و انگیزه خود را ارث و میراث و مسائل مالی اعلام کرد. شایان ذکر است این پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شد.

صدور کیفرخواست متهم پرونده قتل ۱۰ نفر در رفسنجان

توکلی- کیفرخواست تبعه افغانستانی، متهم پرونده قتل ۱۰ نفر در رفسنجان صادر شد. به گزارش خراسان، رئیس کل دادگستری استان کرمان بیان کرد: این متهم در عصر روز تاسوعای امسال در جنایتی هولناک با چاقو، چهار ایرانی و شش نفر از اتباع افغانستانی را کشت و از صحنه جنایت گریخت.

حجت الاسلام والمسلمین ابراهیم حمیدی ادامه داد: قاتل هنگام فرار در روستای اسدآباد از توابع شهرستان انار در شمال کرمان اقدام به خودزنی کرده بود که با ورود به موقع نیروهای پلیس و اورژانس، دستگیر و برای درمان به مراکز درمانی منتقل شد. وی خاطرنشان کرد: متهم این پرونده پس از بهبودی نسبی در حضور بازپرس ویژه قتل شهرستان رفسنجان درباره ارتکاب ۱۰ فقره قتل عمد با سلاح سرد، محاربه از طریق کشیدن سلاح به قصد جان که منجر به ناامنی شهر بهرمان رفسنجان شد و اقامت غیرمجاز، تفهیم اتهام شده است. نماینده عالی قضایی استان کرمان با اشاره به اقرار متهم به ارتکاب جرایم یاد شده، تاکید کرد: کیفرخواست این پرونده صادر و به دادگاه ارسال شده است.

جان باختن مامور انتظامی در حادثه واژگونی خودروی بدرقه یک متهم

کرمانی- در حادثه واژگونی خودروی سمند قرارگاه ستاد انتظامی استان کرمان هنگام بدرقه یک متهم به مقصد یزد، یک مامور انتظامی جان باخت و مامور دیگر راهی بیمارستان شد.

به گزارش خراسان، سحرگاه سه شنبه ۲۶ مهر دو نفر از کارکنان انتظامی برای بدرقه یک متهم به مقصد یزد با خودروی سمند سازمانی عازم جاده و حدود ساعت ۷ صبح در محدوده شهر رفسنجان واژگون شدند.

متاسفانه در این حادثه سروان «جابر قنبری» جمعی دژبانی قرارگاه ستاد فرماندهی استان کرمان به سبب شدت جراحت های وارد شده جان باخت و مامور انتظامی دیگر و فرد متهم نیز مجروح و روانه بیمارستان رفسنجان شدند. شایان ذکر است، حال هر دو مجروح این حادثه رضایت بخش است و تحت مداوا قرار دارند.

در امتداد تاریکی

ماجرای دوستی که هوو شد!

زمانی که دوباره به زندگی مشترک با همسرم بازگشتم مجبور شدم با هوویم زندگی کنم که روزی صمیمی ترین دوست من بود، اما با وجود این، باز هم در شرایط سختی قرار گرفتم که...

به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۳۷ ساله ای است که برای شکایت از همسرش وارد کلانتری قاسم آباد مشهد شده بود. این زن جوان با بیان این که دیگر تحمل بدرفتاری، کتک کاری و تحقیرهای همسرم را ندارم درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: چند سال بعد از آن که تحصیل در مقطع دبیرستان را به پایان رساندم ابوذر به خواستگاری ام آمد، اگرچه او در بازار شغل آزاد داشت، اما از درآمد مالی خوبی برخوردار بود به همین دلیل من هم به خواستگاری او پاسخ مثبت دادم و این گونه زندگی مشترک ما شروع شد در همین حال یکی از دوستان و همکلاسی های دوران دبیرستانم نیز با جوان دیگری ازدواج کرده بود. وقتی «سوزان» را در یکی از مراکز خرید دیدم خیلی خوشحال شدم و او را به منزلم دعوت کردم آن شب از خاطرات گذشته گفتیم و با هم خندیدیم و گاهی به گذر آن دوران افسوس خوردیم. وقتی ابوذر از سر کار به منزل بازگشت دوستم را به او معرفی و تاکید کردم که سوزان پرشر و شورترین دختر کلاس بود که مدام همه دختران را اذیت می کرد، اما اکنون ازدواج کرده و دیگر آن هیجان سابق را ندارد. خلاصه آن شب سوزان شام را در کنار ما صرف کرد و سپس همسرم او را با خودروی خارجی شاسی بلند به منزلش رساند.

حالا دیگر من دوستی صمیمی برای درد دل هایم پیدا کرده بودم و سوزان به راحتی به منزل ما رفت و آمد می کرد. معاشرت های ما به گونه ای صمیمانه شد که دیگر سوزان حجابش را نزد همسرم رعایت نمی کرد و با پوشش منزل در کنار ابوذر قرار می گرفت. او هیچ گاه با همسرش به منزل ما نیامد و ادعا می کرد همسرش انسانی معاشرتی نیست و از حضور در منزل دیگران خجالت می کشد. خلاصه رفت و آمدهای سوزان ادامه داشت و من هم هیچ وقت به رفتارهای او با همسرم مشکوک نمی شدم؛ چرا که او هم زنی متاهل بود و از سوی دیگر نیز من سوزان را از همان دوران دبیرستان به شدت دوست داشتم تا این که دخترم ساناز به دنیا آمد و رفت و آمد سوزان به منزل ما بیشتر شد؛ چرا که سعی می کرد به من در امور خانه داری کمک کند، اما مدتی بعد احساس کردم اخلاق و رفتار همسرم تغییر کرده است با وجود این اهمیتی به موضوع ندادم و دلیل آن را مشکلات کاری و فراز و فرودهای اقتصادی در بازار تجارت می دانستم و از سوی دیگر سرگرم بچه داری بودم و توجه زیادی به همسرم نداشتم. خلاصه در حالی که پنج سال از این ماجرا سپری شده بود دیگر احساس کردم این بی تفاوتی ها و روابط سرد عاطفی ابوذر بی دلیل نیست، بنابراین با همان کنجکاوی زنانه رفتارهای همسرم را زیر نظر گرفتم تا این که فهمیدم پای یک زن دیگر در میان است به همین دلیل یک روز به طور پنهانی گوشی همسرم را بررسی کردم و از پیام ها و تصاویر آن متوجه شدم که همسرم با سوزان ارتباط صمیمانه تری دارد، چرا که سوزان نیز حدود یک سال قبل از شوهرش طلاق گرفته بود، ولی همچنان به منزل ما رفت و آمد داشت. وقتی موضوع را با جدیت پیگیری کردم تازه فهمیدم که ابوذر از چند ماه قبل سوزان را به عقد موقت خودش درآورده است. گویی آسمان بر سرم فروریخت و نفرت همه وجودم را فرا گرفت با خشم و عصبانیت با ابوذر به مشاجره پرداختم و سپس به حالت قهر منزل را ترک کردم و به همراه دخترم به خانه پدرم بازگشتم تا شاید همسرم به خودش بیاید و از سوزان جدا شود، اما او هیچ گاه زیر بار خواسته من نرفت و ادعا می کرد «سوزان به خاطر من از همسرش طلاق گرفته است و من نمی توانم در این شرایط او را طلاق بدهم!» حالا دیگر در مخمصه بدی افتاده بودم و نمی توانستم تصمیم درستی بگیرم، بیش از اندازه به ساناز وابسته بودم و نمی توانستم از ابوذر طلاق بگیرم چرا که بعد از آن دخترم دچار ناراحتی های روحی و عاطفی می شد و آینده اش در مسیری تاریک قرار می گرفت، این بود که خواسته های خودم را زیر پا گذاشتم و با حالت تحقیرآمیزی نزد ابوذر بازگشتم تا در کنار هوویی زندگی کنم که روزی صمیمی ترین دوستم بود و حالا از او نفرت داشتم، اما بدبختی من از آن جا بیشتر شد که فهمیدم سوزان نیز مانند همسرم اعتیاد دارد و مدام در کنار یکدیگر مواد مخدر مصرف می کنند. اکنون اعتیاد همسرم و هوویم به جایی رسیده است که همسرم دیگر مخارج زندگی را نمی پردازد و همواره مرا کتک می زند تا از زندگی او بیرون بروم. همسرم در حالی مدعی است که سوزان از دختر من به خوبی مراقبت می کند که من در این شهر غریب هستم و خانواده ام در شمال کشور زندگی می کنند. این بار وقتی همسرم مرا به شدت کتک زد دیگر طاقت نیاوردم و دست به دامان قانون شدم اگرچه می دانم خودم در انتخاب دوست بعد از ازدواج اشتباه کرده ام و باید در همان روزهای آغازین معاشرت که او را بدون حجاب نزد همسرم مشاهده کردم به این ارتباط پایان می دادم اما...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستوری ویژه از سوی سرهنگ عباس نادی (رئیس کلانتری قاسم آباد مشهد) رسیدگی تخصصی و کارشناسی به این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

آگهی مزایده

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد دمه) پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۰۰۴۰۰۸۲۸۱۰۰۰۰۶۲ -شعبه اجرای ثبت فردوس به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۰۰۴۰۰۸۲۸۱۰۰۰۰۶۲ ششدانگ یکباب ساختمان تحت پلاک نه هزار و نهصد و دو فرعی مجزی از چهارهزار و یکصد و نود فرعی از یک اصلی به مساحت یکصد و نود و یک متر مربع به نشانی فردوس،خیابان شهید اله وردی هشت بنام آقای علی رستم پور و خانم فرشته بزرگ نیا بصورت بالمناصفه ثبت و اسناد مالکیت به شماره سریال های ۶۷۷۷۴۴ و ۵۰۷۴۹۵ صادر و تسلیم گردیده است. ضمنا آقای علی رستم پور درخواست افراز سه دانگ مشاع سهم خود را نموده اند که با توجه به عدم موافقت شهرداری و وضعیت خاص ملک در محل درخواست نامبرده رد گردیده است.حدود عبارتست از شمالا بطول ده متر دیوار بدیوار باقیمانده چهارهزار و یکصد و نود فرعی-شرقا بطول هجده متر و پنج صم متر دیواربدیوار پلاک نه هزار و هفتصد و شصت و یک فرعی-جنوبا بطول ده متر و پنج صدم متر دیواربست به کوچه-غربا بطول نوزده متر و هشتاد و پنج صدم متر درب و دیواربست به میلان هشت متری-سپس طبق سند ازدواج ۱۵۵۳-۱۳۷۰/۰۵/۲۳ دفترخانه ازدواج رسمی شماره یک و طلاق شماره ۵۵ سرایان بستانکار جهت وصول مهریه خود تقاضای صدور اجرائیه علیه علی رستم پور را نموده است و اجرائیه صادره به بدهکار ابلاغ و صحت آن توسط متصدیان امر تایید گردیده است. بعدا کل مهریه بستانکار بر اساس شاخص روز محاسبه که بر اساس شاخص روز به مبلغ ۱۱۱۸۶۱۹۱۴۱ ریال (یک میلیارد و یکصد و هجده میلیون و ششصد و نوزده هزار و یکصد و چهل و یک ریال) تعیین گردیده است. با توجه به تقاضای بستانکار مبنی بر بازداشت و ارزیابی و مزایده سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین پلاک ثبتی ۹۹۰۲ فرعی مجزی از ۴۱۹۰ فرعی از یک اصلی به نسبت مطالبات بستانکار (دو هزار و ششصد وهشتاد سهم از هفت هزار و ششصد و چهل و سه سهم از سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی مذکور) به ارزش ۱۳۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال (یک میلیارد و سیصد و چهل میلیون ریال) اقدام گردید. برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری :ملک معرفی شده از غربی-جنوبی به میلان متصل است به آدرس فردوس-خیابان شهید اله وردی۸ عبارت است یک باب منزل مسکونی مطابق حدود اربعه مندرج در سند مالکیت به مساحت ۱۹۱ متر مربع اعیان موجود در ملک احداث شده همکف به متراژ ۱۶۴/۲۰ متر مربع می باشد ۱۰۴ متر مربع مسکونی همکف ۴۷/۶ متر مربع زیرزمین و ۱۲/۶۰ متر مربع انباری در همکف .نوع بنا اسکلت آجری و نخامی ساختمان در قسمت دیوارهای داخلی با سرامیک نماکاری شده و نمای غربی آجری و فاقد نماکاری می باشد.شامل هال پذیرایی و دو اتاق خواب و سرویس بهداشتی می باشد.حمام در خارج از ساختمان و درداخل حیاط تعبیه شده است. کف موزاییک و بدنه و سقف دارای پوشش گچ می باشد. کابینت از نوع فلزی و دارای سیستم گرمایشی بخاری گازی و سیستم سرمایشی کولر آبی می باشد ملک دارای امتیاز برق و آب و گاز می باشد،ارزش هر متر مربع عرصه به مبلغ هجده میلیون ریال با احتساب مساحت یکصد و نود و یک متر مربع به ارزش سه میلیارد و چهارصد و سی و هشت هزار ریال ۲-ارزش هر متر مربع اعیان به مبلغ بیست و پنج میلیون ریال با احساب یکصد و شصت و چهار متر و دو دهم متر مربع جمعا به ارزش چهار میلیارد و یکصد و پنج هزار ریال ۳-ارزش امتیازات یکصد میلیون ریال.ارزش ششدانگ پلاک موصوف با مشخصات فوق الذکر حاصل جمع سه ردیف فوق به مبلغ ۷۶۴۳۰۰۰۰۰ ریال(هفت میلیارد و ششصد و چهل و سه میلیون ریال) ارزیابی گردیده است. که سه دانگ پلاک متعلق به بدهکار به ارزش ۳/۸۲۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال(سه میلیارد و هشتصد و بیست و یک میلیون و پانصد هزار ریال)می باشد.لذا بدلیل عدم وصول اعتراض،پلاک فوق به نسبت مطالبات بستانکار از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۸/۱۱ در شعبه اجرای ثبت اسناد و املاک فردوس از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده(دو هزار و ششصد و هشتاد سهم از هفت هزار و ششصد و چهل و سه سهم سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک فوق الذکر) از مبلغ یک میلیارد و سیصد و چهل میلیون ریال شروع به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود.لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب،برق،گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد،وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد ضمنا چنان چه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد و هرگاه متعهد تا قبل از تنظیم صورت جلسه مزایده اقدام به پرداخت یا تعیین تکلیف بدهی خویش نماید از انجام مزایده خودداری می گردد.ضمنا مطابق ماده ۱۳۶ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم اجرا شرکت در مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ شناسه آگهی: ۱۳۹۶۶۰۷ **محمود جهانی مهر-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فردوس** ۱۴۰۱۹۱۴۴۲۸/ج

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند نظر به دستور مواد ۱ و ۳ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زبرخان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ۱-صالح تازیکی فرزند ابراهیم بشماره شناسنامه ۲۱۷۹ صادره از نیشابور در یک قطعه زمین مزروعی محصور به مساحت ۲۰۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۹- اصلی بخش ۲ زبرخان اراضی ساوج از محل مالکیت علی اکبر و حسین شهرت هر دو بلوچی فرزندان حسن و علی ۲- محمدرضا قدمیاری فرزند محمدولی بشماره شناسنامه ۵۱ صادره از خرو و علی کاریزنوی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۳۷۱ صادره از قدمگاه هر کدام در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۴۸ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۵ فرعی از ۱۳۷- اصلی اراضی تلخ زنج قدمگاه ازمحل مالکیت سیدحسن قدمگاهی (طباطبایی) فرزند سیداسماعیل و حجیه بی بی قدمگاهی فرزند سیدحسن ۳- سیدمرتضی طباطبایی فرزند سیدحسن بشماره شناسنامه ۱ صادره از قدمگاه (نسبت به سه دانگ مشاع) و محمد رضا قدمیاری فرزند محمدولی بشماره شناسنامه ۵۱ صادره از قدمگاه (نسبت به یک دانگ و نیم مشاع) و علی کاریزنوی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۳۷۱ صادره از قدمگاه (نسبت به یک دانگ و نیم مشاع) از یک باب ساختمان به مساحت ۵۳/۳۴ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۵ فرعی از ۱۳۷ اصلی اراضی تلخ زنج قدمگاه از محل مالکیت سیدحسن قدمگاهی (طباطبایی) فرزند سیداسماعیل و حجیه بی بی قدمگاهی فرزند سیدحسن ۴- فاطمه قدمگاهی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۳۳۷ صادره از نیشابور در یک باب ساختمان (مجتمع خدماتی بین راهی) به مساحت ۳۰۲۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۱۵۹- اصلی بخش ۳ زبرخان واقع در اراضی دولت آباد از محل مالکیت خود متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۱/۷/۱۲

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۷/۲۷

سید حسن پورموسوی- رئیس ثبت اسناد و املاک زبرخان ۱۴۰۱۸۹۵۲۶/م

شهرداری بابل

آگهی مناقصه عمومی
(نوبت اول) - چاپ اول

شهرداری بابل در نظر دارد پروژه زیر را با مشخصات و شرایط کلی از طریق مناقصه عمومی به اشخاص حقیقی وحقوقی واجد شرایط واگذار نماید:

پروژه	برآورد اولیه (ریال)	سپرده شرکت در مناقصه(ریال)	صلاحیت	مبنای برآورد	مدت اجرا
عملیات اجرای روکش آسفالت به صورت مکانیزه (تهیه و حمل آسفالت توسط کارفرما) خیابان شریعتی خیابان تختی -خیابان شهاب نیا خیابان نواب صفوی -بلوار نوشیروانی تا میدان غدیر -بلوار شیخ طبرسی	۱۶/۸۳۳/۸۴۹/۰۰۰	۸۴۲/۰۰۰/۰۰۰	راه	مقطوع	۶ ماه

لذا متقاضیان محترم می توانند از ساعت ۸ صبح روز **چهارشنبه** مورخ **۱۴۰۱/۰۷/۲۷** تا ساعت ۱۲ روز **شنبه** مورخ **۱۴۰۱/۰۸/۰۷** با مراجعه به سامانه ستاد، اسناد را دریافت و پس از بررسی، پیشنهاد خود را به همراه ضمانت نامه بانکی به مبلغ مندرج در جدول فوق و یا فیش واریزی به همین مبلغ به حساب **۰۱۰۵۷۰۷۰۳۹۰۰۷** نزد بانک ملی واریز و به همراه برگه پیشنهاد قیمت از ساعت ۱۲ روز **شنبه** مورخ **۱۴۰۱/۰۸/۰۷** لغایت ساعت ۱۲ روز **چهارشنبه** مورخ **۱۴۰۱/۰۸/۱۸** به سامانه ستاد ارسال نمایند.

آخرین مهلت تحویل پیشنهاد ساعت ۱۲ روز **چهارشنبه** مورخ **۱۴۰۱/۰۸/۱۸** می باشد.

بازگشایی پاکات رسیده در تاریخ **۱۴۰۱/۰۸/۱۸** روز **چهارشنبه** راس ساعت ۱۲ می باشد.

به پیشنهادات مبهم و مخدوش و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تلفن تماس جهت اخذ اطلاعات ۳۵۱۵۶۲۲۵ -۰۱۱ می باشد.

http://www.babolcity.ir

مهدی کیانی امیری – شهردار بابل

۱۴۰۱۲۹۱۲۱۴/م